

واکاوی شروط ضروری در جهت اعمال صلاحیت تکمیلی از سوی دیوان بین المللی دادگستری با تأکید بر پایان دادن به مصونیت از مجازات

کاوه رضایی (نویسنده)
دانشجوی دکتری حقوق بین الملل عمومی، دانشگاه پیام نور واحد تهران، ایران، مدرس دانشگاه
، وکیل دادگستری ایمیل: kaveh,rezaii98@gmail.com کد ارکید: 000900067084690 (مسئول)

عبدالکریم شاحیدر
دکتری تخصصی حقوق بین الملل، گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه پیام
نور، تهران، ایران. ایمیل: ashaheydar1400@pnu.ac.ir کد ارکید: 0000000190654400

علی نیکجو

دانشجوی دکتری حقوق بین الملل عمومی، دانشگاه پیام نور واحد تهران، ایران، وکیل
دادگستری.

چکیده

این مقاله با هدف بررسی شروط ضروری در جهت صلاحیت تکمیلی در دیوان کیفری بین المللی نگاشته شده است و در این راستا می‌توان گفت که اصل صلاحیت تکمیلی یکی از موضوعات مهم اساسنامه دیوان کیفری بین المللی است سوالی که در این مقاله مطرح است این است که صلاحیت تکمیلی با چه هدفی و با چه شروطی پیش بینی شده است؟ هدف از صلاحیت تکمیلی دیوان پایان دادن به مصونیت از مجازات مقرر شده است که احترام به حق حاکمیتی دولت‌ها، ارتقای عدالت کیفری در کشورها، تأمین رسیدگی مؤثر در دادگاه و رسیدگی به عملکرد دستگاه قضایی کشور در مبارزه با مصونیت از مجازات نیز مورد توجه قرار گرفته است اصل صلاحیت تکمیلی سنگ بنای دیوان کیفری بین المللی است کما اینکه اگر این روش در اساسنامه دادگاه دیده نمی‌شد، شاید در فضای سیاسی امروز دنیا، دیوان کیفری بین المللی هرگز به وجود نمی‌آمد این اصل مهم، شالوده تعامل دادگاه با مقام قضایی کشور را سامان داده و سازوکار تعیین صلاحیت دادگاه را نشان می‌دهد تدوین کنندگان اساسنامه با درج اصل صلاحیت تکمیلی و تأکید بر اولویت مراجع داخلی در رسیدگی به جرائم بین المللی، گام مهمی در تشویق دولت‌ها در جهت عضویت در اساسنامه برداشتند بنابراین می‌توان گفت صلاحیت دیوان کیفری بین المللی مکمل یکدیگر است، بدین معنا که ابتدا باید به دولت ذیصلاح فرصت داده شود تا نسبت به جرائم ارتكابی و در صورت عدم موفقیت، اعم از ناتوانی یا عدم تمایل، اقدام مؤثری انجام دهد به این ترتیب که مرجع بین المللی برای جبران کمبود اقتدار ملی قیام می‌کند و اقدامات لازم را برای اجرای عدالت ترتیب می‌دهد در مورد اصل صلاحیت تکمیلی معکوس نیز باید توجه داشت که بر اساس این اصل، مراجع داخلی هرگز نمی‌توانند با ناتوانی یا عدم تمایل دادگاه و یا ادعای اصیل نبودن به پرونده رسیدگی کنند بنابراین دیوان به عنوان مرجعی که متولی جبران کاستی‌های عدالت در عرصه ملی است، باید بتواند به گونه‌ای عمل کند که بر عملکرد دولت در این رابطه نظارت داشته باشد این مقاله با هدف بررسی صلاحیت تکمیلی در دادگاه کیفری بین المللی به روش توصیفی- تحلیلی و با استفاده از روش‌های کتابخانه‌ای و اسنادی نگاشته شده است.

صلاحیت تکمیلی، دیوان بین المللی کیفری، جنایات بین المللی، حقوق کیفری بین المللی

واژگان کلیدی:

Scientific Journal of Modern
Jurisprudence and Law

Print ISSN: 2717- 1469

Online ISSN: 2717 - 1477

Profile in ISC,SID, Noormags,
Magiran, Ensani,
GoogleScholar
www.jaml.ir

Year 2025, Sixth year, Issue 24

Pages 1-14

An analysis of the necessary conditions for the exercise of complementary jurisdiction by the International Court of Justice, with an emphasis on ending impunity

Kaveh Rezaei (Responsible author)	PhD Student in Public International Law, Payam Noor University, Tehran Branch, Iran, University Lecturer, Attorney at Law Email: kaveh,rezaei98@gmail.com Orchid Code: 000900067084690
Abdul Karim Shahider	PhD in International Law, Department of Law, Faculty of Law and Social Sciences, Payam Noor University, Tehran, Iran. Email: ashaheydar1400@pnu.ac.ir Orchid Code: 0000000190654400
Ali Nikjoo	PhD student in Public International Law, Payam Noor University, Tehran Branch, Iran, attorney at law.

Abstract

This article aims to examine the necessary conditions for complementary jurisdiction in the International Criminal Court. In this regard, it can be said that the principle of complementary jurisdiction is one of the important issues of the Statute of the International Criminal Court. The question raised in this article is: for what purpose and under what conditions is complementary jurisdiction envisaged? The purpose of the Court's complementary jurisdiction is to end impunity, which is determined by respecting the sovereign rights of states, promoting criminal justice in countries, ensuring effective proceedings in court, and investigating the performance of the country's judicial system in combating impunity. The principle of complementary jurisdiction is the cornerstone of the International Criminal Court. If this method had not been seen in the Court's Statute, perhaps in today's political climate, the International Criminal Court would never have been established. This important principle organizes the foundation of the Court's interaction with the country's judicial authority and shows the mechanism for determining the Court's jurisdiction. By including the principle of complementary jurisdiction and emphasizing the priority of domestic authorities in dealing with international crimes, the drafters of the Statute took an important step in encouraging states to become members of the Statute. Therefore, it can be said that the jurisdiction of the International Criminal Court is complementary to each other, meaning that the competent state must first be given the opportunity to take effective action against the crimes committed, and in the event of failure, whether due to inability or unwillingness, in such a way that the international authority rises up to compensate for the lack of national authority and takes the necessary measures. It should also be noted regarding the principle of inverse complementary jurisdiction that, based on this principle, domestic authorities can never handle a case due to the inability or unwillingness of the court or the claim of lack of originality. Therefore, the Court, as the authority responsible for compensating for the shortcomings of justice in the national arena, must be able to act in a way that monitors the performance of the government in this regard. This article aims to examine complementary jurisdiction in the International Criminal Court using a descriptive-analytical method and using library and documentary methods.

Keywords: Supplementary jurisdiction, International Criminal Court, International crimes, International criminal law

مقدمه

بین المللی است در وهله‌ای اول باید توسط شورای امنیت ارتکاب جرم محرز شود و رسیدگی به آن از طریق دیوان بین المللی کیفری انجام داد چنین مسئله‌ای گاهی سبب می‌شود که جرم مهمی مانند تجاوز به دلیل عدم شناسایی توسط شورای امنیت بدون پیگیری باقی بماند و این امر سبب می‌شود دیوان بین المللی کیفری نتواند بصورت مستقل وظایف خود را انجام دهد ایراد مهمی که به مسئله‌ای نظارت شورای امنیت سازمان ملل بر دیوان بین المللی کیفری می‌تواند وارد کرد این است در برخی موارد مستقل نبود شورای امنیت سبب می‌شود عدالت اجتماعی با مانع مهمی مواجهه شود.

نظارت شورای امنیت سازمان ملل در انجام وظایف دیوان سبب می‌شود که این نهاد در انجام وظایف خود همواره با یک مانع رو به رو شود و انگیزه دیوان در جهت اجرای عدالت کیفری در جوامع بشری از بین می‌رود چرا که در برخی موارد اعمال نظارت شورای امنیت با دیوان سبب می‌شود رسیدگی به جرائم افرادی که مورد حمایت شورای امنیت می‌باشند و شورا به اعمال آنها مصونیت داده است با مشکل جدی رو به رو شود (براتی، ۱۳۸۲: ۹).

اگر دیوان بین المللی کیفری در راستای تحقیقات یا رسیدگی از جرائم شخصی را به عنوان متهم شناسایی کند و آن شخص از شهروندان کشورهای دیگر باشد در صورت درخواست دیوان آن دولت موظف به تحویل دادن فرد متهم خواهد بود مشروعیت این مسئله در فصل نهم اساسنامه سازمان ملل متحد آمده است که دولت‌های عضو را در این زمینه موظف دانسته است که به بهانه عدم ارتکاب جرم یا رسیدگی قبلی نسبت به این شخص از تحویل آن خودداری نکنند در برخی

مستند به اصل صلاحیت تکمیلی دیوان کیفری بین المللی، محاکم ملی کشورهای عضو اساسنامه در رسیدگی به جرائم تحت صلاحیت دیوان اولویت دارند. در خصوص جرم تجاوز به عنف که اخیراً شرایط رسیدگی به دیوان بین المللی دادگستری محول گردیده، اعمال اصل مذکور بویژه در دادرسی داخلی با موانع و محدودیتهایی مواجه است. بنابراین در اینخصوص دیوان تنها زمانی می‌تواند صلاحیت خود را اعمال کند که این دولت‌ها توانایی رسیدگی به جرائم بین المللی را نداشته باشند یا در صورت امکان در این زمینه اقدامی نکنند و یا تمایلی به انجام این مهم نداشته باشند. و مجرمین بدون مجازات باقی بمانند. هدف ما در این مقاله بررسی شروط لازم در قبال اعمال صلاحیت تکمیلی از سوی دیوان بین المللی دادگستری می‌باشد. این مقاله به صورت توصیفی - تحلیلی حول این محور صورت پذیرفته است.

۱. همکاری چند جانبه شورای امنیت در قبال دیوان کیفری بین المللی

رسیدگی به جرائم بین المللی و فعالیت‌های پیشگیرانه از جرم مسئولیتی است که بر عهده شورای امنیت سازمان ملل متحد و دیوان بین المللی کیفری است بگونه‌ای که ارجاع وظایف سازمان به شورا و بالعکس وجهه‌ای قانونی دارد و از این جهت مانعی در جهت انجام فعالیت‌های دیگری وجود ندارد شورای امنیت سازمان ملل متحد اقداماتی که باعث افزایش تبادلات میان کشورها و دیوان شود را انجام می‌دهد و از این جهت نقش بسزایی در جهت ایجاد همکاری بین کشورها و دیوان ایفا می‌کند جرائم مهمی همانند تعرض که رسیدگی به آنها بر عهده دیوان

اجرای عدالت و تعیین مجازات‌های لازم برای رسیدن به این امر است در هنگام تشکیل اختلاف نظر فراوانی در جهت تعیین مجازات به تناسب جرم ارتكابی بوجود آمد دولت‌های عضو بر این باور بودند که رسالت اصلی دیوان رسیدن به عدالت جهانی هست پس مجازات هم باید متناسب با جرم ارتكابی باشد تا سبب اصلاح مجرم شود از میان مجازات‌های مطروحه مجازات اعدام با مخالفت شدیدی مواجه شد در متن پیشنهادی مجازات‌ها علاوه بر مجازات‌های سنگینی مانند حبس دائم و قصاص نفس مجازات‌هایی همانند انجام امور عام المنفعه و مصادره اموال نیز در نظر گرفته شده تا دیوان هنگام رسیدگی به جرم با توجه به شدت زیان و آثار بزه ارتكابی مجازات متناسب با آن را اعمال نماید (نوروزی، ۱۳۹۳: ۷۴).

۳ نحوه اجرای کیفرهای دیوان کیفری بین المللی و نقش دولتها در اجرای آن

یکی از اصول مهم اساسنامه دیوان بین المللی کیفری که نشانگر صلاحیت دیوان در جهت تعیین کشور مناسب برای تحمل کیفر زندان است در ابتدای تشکیل دیوان دولت‌هایی که به پذیرش محکومان در کشور خود رضایت داشتند با اعلام این مسئله به دیوان همکاری خود را در جهت اجرای حکم زندان اعلام کردند اما این امر به معنی پذیرش بی قید و شرط محکومان نیست در هر زمانی که دیوان کشوری را برای تحمل حبس محکومی معرفی کند آن کشور می‌تواند مراتب موافقت یا عدم موافقت خود را به دیوان اعلام کند که این امر هم باید در زمان مشخصی صورت پذیرد در این بند پذیرش شخص محکوم شرط نیست حال آنکه دیوان خود باید برای حفظ حقوق بین المللی و اجرای عدالت با توجه به جرم ارتكابی کشوری متناسب با محل سکونت شخص محکوم

موارد ممکن است دیوان انجام تحقیقات مقدماتی را در زمینه ارتكاب یا عدم ارتكاب جرم را به کشور متبوع شخص متهم واگذار کند و در این زمینه دولت موظف به همکاری با دیوان است این مسئله علاوه بر کشورهای عضو سازمان ملل متحد توسط کشورهای غیر عضو هم لازم الاجرا خواهد بود (ماده ۹۳).

مادامی که پرونده‌ای در دیوان مورد رسیدگی قرار می‌گیرد و رأی نهایی صادر می‌شود هیچ کشور یا سازمانی نمی‌تواند بر مبنای اینکه رأی دیوان بر اساس قانون و دادرسی عادلانه نبوده است اقدام به رسیدگی مجدد به آن موضوع نماید و ب اقدام به نقض رأی دیوان نماید (آندره کلیپ، ۱۳۸۴: ۲-۳).

دیوان بین المللی کیفری در ابتدای فعالیت خود با مخالفت‌های زیادی از سوی دولت‌های عضو که ریشه در ترس از بین رفتن قدرت مطلقه دولتها داشت مواجهه شد در صورتی که رسالت دیوان بر این بود که رسیدگی اولیه (تحقیقات مقدماتی) را به دولت محل وقوع جرم واگذار کند دیوان به دنبال ترغیب دولت‌های عضو بود تا نقض تعهدات بین المللی را که در دولت آنها انجام شده بود رسیدگی کند یا امتناع خود را به دیوان اعلام کند این موضوع نشان دهنده این است که فعالیت دیوان تکمیل کننده‌ای فعالیت دولتهاست عضو است و تعارضی یا قدرت دولتها نخواهد داشت (رنجبریان، ۱۳۸۱: ۲۰۲).

۲ مجازات پیش بینی شده در قبال مجرمین در اساسنامه دیوان کیفری بین المللی

تشکیل نهادی بین المللی که رسالت خود را اجرای عدالت در جهان می‌داند تبلور تعامل میان کشورهای عضو در زمینه

وجود آمده باشد چرا که با وجود این ظن باطل اجرای عدالت در دولت‌های عضو سازمان با مانع مهم بی انگیزگی دولت‌ها مواجهه می‌شد در این صورت نه تنها هدف تشکیل دیوان نتیجه نداشت بلکه اجرای عدالت داخلی کشورهای عضو هم از بین می‌رفت دیوان در ابتدای تشکیل خود با چالش عدم پذیرش جدی دولت‌های عضو مواجهه شد که در وهله‌ای اول تلاش خود را صرف رفع سو ظن‌های موجود کرد که دیوان به دنبال پایان حیات قضایی دولت‌ها نیست بلکه دیوان بین المللی کیفری و دولت‌های عضو باید به عنوان مکمل خود عمل کنند یعنی زمانی که دولتی عدم توانایی خود را برای بررسی یک پرونده قضایی اعلام کرد دیوان می‌تواند برای اینکه هیچ جرمی بدون مجازات نباشد و عدالت به معنای واقعی کلمه اجرا شود رسیدگی به پرونده مذکور را بر عهده بگیرد پس دیوان تکمیل کننده صلاحیت کشورهای عضو هست و فعالیت او تعارضی با فعالیت دیگر دولت‌ها نخواهد داشت هدف اصلی دیوان بین المللی کیفری اجرای عدالت جهانی است این که شخصی به بهانه عدم توانایی دولت محل وقوع جرم یا حجم زیاد پرونده‌های موجود بدون مجازات باقی نماند دیوان به عنوان یک سازمان معتبر تلاش خود را در جهت رسیدگی به پرونده‌های که دولت‌های محل وقوع جرم از رسیدگی به آن خودداری می‌کنند انجام می‌دهد تا رسالت اصلی خود را که اجرای عدالت جهانی است محقق سازد همین امر سبب از بین رفتن نگرانی دولت‌ها عضو شد که بر این باور بودند که دیوان تشکیل شده تا به عنوان یک ناظر صلاحیت قضایی آنها را از بین ببرد یا سبب بی اعتباری تصمیمات دادگاه‌های آنها شود به مرور دریافتند که صلاحیت دیوان به عنوان یک مکمل قوی در کنار صلاحیت آنها می‌تواند سبب اجرای بهتر عدالت در جامعه شود (شریفی طرازکوهی، ۱۳۷۵: ۲۹).

انتخاب کند تا در جهت اجرای عدالت گام صحیحی برداشته شود اگر دولت محل اجرای حکم زندان همان محلی باشد که شخص محکوم تابعیت دارد حقوق فرد زندانی تا حد زیادی تأمین می‌شود (نوروزی، ۱۳۹۳: ۷۶).

در صورتی که هیچکدام از کشورهای عضو رضایت خود را برای قبول محکومان داری مجازات حبس اعلام نکنند در این صورت دولت محل صدور حکم شخص محکوم را در پذیرش می‌کند و این امر مانع از این نیست که شخص محکوم درخواست انتقال خود را به زندان کشور متبوع خود به دیوان ارائه دهد و دولتی که شخص محکوم تابعیت آن را دارد نمی‌تواند با ارائه این دادخواست به دیوان مخالفت کند زیرا این امر حقی است که در اساسنامه دیوان برای شخص محکوم علیه در نظر گرفته شده است و هیچ دولتی نمی‌تواند مانع اجرای حقوق محکومان شود (نوروزی، ۱۳۹۳: ۷۶).

۴ صلاحیت تکمیلی له یا علیه حاکمیت ملی

در هنگام تشکیل دیوان بین المللی کیفری نگرانی برای دولت‌های عضو ایجاد شد که منشأ آن ترس از بین رفتن قدرت دولت‌ها در اجرای عدالت بود دولت‌ها بر این باور بودند که دیوان به عنوان دادگاهی عالی تشکیل شده است تا تصمیمات دادگاه‌های داخلی را بی اعتبار سازد و این امر را پایان حیات قضایی خود می‌دانستند.

همین امر سبب بی انگیزگی جدی دولت‌های تا مدتی برای رسیدگی به جرائم ارتكابی شد چون بر این باور بودند که در صورت رسیدگی به پرونده‌های دیوان آن بی اعتبار می‌داند و مانع از اجرای حکم مزبور می‌گردد پس دیوان قبل از هر فعالیتی باید به دنبال راه حلی برای از بین بردن تعارض به

بلکه در جهت اجرای عدالت جهانی اقدام به رسیدگی به پرونده‌ای کرده است دولت از رسیدگی به آن امتناع ورزیده در این مورد هم همکاری دولت‌های عضو با دیوان بین‌المللی کیفری به زیبایی نشان داده می‌شود چرا که کشف جرم مطروحه بر عهده دولت داخلی قرار گرفته و صدور حکم و اجرای حکم بر عهده دیوان پس این دو مکمل یکدیگرند: (عنایت، ۱۳۷۸: ۱۰۱-۱۰۰).

۵-۱ مذاکرات صلح و تأمین غبطه عدالت

زندگی مسالمت آمیز کشورهای جهان که منافع آنها بصورت پیوسته در تعارض با یکدیگر قرار می‌گیرد منوط به تحقق عدالت جهانی است زیرا در صورت بی‌عدالتی از سوی یک کشور و عدم وجود سازمان یا نهادی جهت رسیدگی به این موضوع دولتی که حق خود را ضایع شده می‌داند اجرای عدالت را که امری تخصصی و خارج از صلاحیت اوست برعهده می‌گیرد همین امر سبب هرج و مرج و ایجاد جنگ‌های جهانی خواهد شد سازمان ملل متحد بیانیه‌ای در این موضوع صادر کرده است که نشانگر تأثیر عدالت و صلح بر یکدیگر است و این دو امر را جدا از هم نمی‌داند و بر این باور است که صلح جهانی بدون وجود عدالت امکان تحقق نخواهد داشت و این مسئله را تا حدی مهم و سرنوشت ساز می‌داند که در صورت احساس خطر برای صلح شورای امنیت سازمان ملل متحد می‌تواند با کنار گذاشتن دیگر وظایف خود تلاش خود را مصروف رسیدن به صلح جهانی نماید هدف اصلی تشکیل دیوان بین‌المللی کیفری اجرای عدالت جهانی است تا دولت‌های عضو زندگی مسالمت آمیزی در کنار هم داشته باشند و هیچ شخص مجرمی بدون مجازات باقی نماند پس اگر دیوان بین‌المللی به دنبال ایجاد صلح جهانی

زمانی که پرونده‌ای در دیوان مورد رسیدگی قرار گرفت و حکمی صادر شد این حکم برای تمامی کشورها لازم الاجرا است و هیچ دولتی نمی‌تواند به بهانه عدم عضویت در دیوان از اجرا و پذیرش حکم مزبور سرباز زند و در صورتی که محکوم در کشوری غیر از کشورهای عضو دیوان بین‌المللی کیفری سکونت داشته باشد دولت مذکور باید در جهت اجرای صحیح عدالت محکوم را در صورت درخواست دیوان تحویل دهد این امر به دلیل این است که قواعد دیوان برای رسیدن به عدالت جهانی و مفید برای تمام کشورهای جهان است و یک دولت نمی‌تواند رسیدن به این مهم را لغو کند (کاسسه، ۱۳۸۷: ۳۷۹).

۵. شرط قابلیت پذیرش موضوع در جهت اعمال صلاحیت صلاحیت تکمیلی

برای ورود به یک پرونده به دیوان دو شرط مهم وجود دارد: شرط اول باید عمل ارتكابی توسط دادستان دولت محل وقوع جرم پس از تحقیقاتی که در این زمینه انجام می‌دهد جرم اعلام شود یعنی عمل ارتكابی با توجه اصول قانونی که وجود دارد غیرقانونی اعلام کند و زمینه را برای ورود دولت به رسیدگی به این امر ایجاد کند دولت اقدام به رسیدگی به پرونده‌ای مذکور می‌نماید که می‌تواند منجر به صدور یا عدم صدور حکم شود شرط دوم: دولت محل وقوع جرم بنا بر دلایلی از رسیدگی به پرونده مذکور سر باز زند و زمینه را برای طرح موضوع در دیوان اجرا می‌کند پس از این که دو شرط مذکور تحقق یافت دیوان بین‌المللی به پرونده مذکور ورود می‌کند و اصل صلاحیت تکمیلی دیوان و دولت داخلی به محقق می‌شود دیوان اقدام به نقض یا رسیدگی مجدد به دعوی‌ای که در دولت محل وقوع جرم رخ داده است نمی‌نماید

دیوان بین المللی کیفری می‌تواند خود به صورت مستقل اقدام به رسیدگی نماید اما این مجوز رسیدگی صرفاً برای عدم رسیدگی نمی‌باشد بلکه در مواقعی که اقدام قانونی صورت نگیرد هم دیوان می‌تواند به پرونده ورود پیدا کند برای عادلانه دانستن یک رسیدگی باید یکسری اصول رعایت شود تا اجرای عدالت به معنای واقعی کلمه اجرا شود الف: رسیدگی به پرونده مطروحه نباید برای مدت طولانی به تعویق بیفتد در صورت تأخیر ناموجه در رسیدگی به پرونده‌ای سبب از بین رفتن اعتماد عمومی به تصمیمات دیوان خواهد شد ب: نباید اهداف مغرضانه را در رسیدگی‌ها اعمال کنند به جهت پیشگیری از اجرای حکم بر روی شخصی خاص یا تشدید مجازات برای شخصی به انگیزه‌های فردی.

ج) رسیدگی به پرونده‌های قضایی باید بر مبنای بی طرفی شخص رسیدگی کننده صورت گیرد که به دنبال تأمین منافع یکی از طرفین درگیر دادرسی نباشد اگر مقام رسیدگی کننده بی طرف نباشد باید امتناع خود را از رسیدگی اعلام کند.

در اساسنامه دیوان بین المللی کیفری هدف اصلی دیوان را رسیدن به قضاوت بر مبنای عدل و انصاف می‌داند نتیجه این بحث سبب نمی‌شود که هر گاه در جریان رسیدگی‌های داخلی کشورها حق یکی از طرفین تضییع شد پرونده را به دیوان ارجاع دهند چرا که دیوان به تنهایی نمی‌تواند عدالت را در تمام شئون زندگی جوامع بشری وارد کند رسیدن به این امر منوط به همکاری دادگاه‌های ملی با دیوان بین المللی خواهد بود این سه مورد به عنوان نمونه‌ای جهت تشخیص معیارهای لازم برای رسیدن به دادرسی عادلانه در دیوان است

نکته‌ای حائز اهمیت است که در این مورد وجود دارد این است که بندهای مذکور توضیحی در جهت زمینه‌های لازم برای اجرای

است باید وظیفه خود را که اجرای عدالت می‌باشد به درستی انجام دهد چرا که بدون عدالت رسیدن به صلح خارج از تصور است (شریعت باقری، ۱۳۸۵: ۷۱).

۲-۵ عدم تمایل مرجع ملی به انجام دادرسی حقیقی از شروط لازم جهت اعمال صلاحیت تکمیلی

همانطور که اشاره شد ما یکی از شروط طرح یک موضوع در دیوان را عدم رسیدگی به جرم ارتكابی توسط دولت محل کشف جرم دانستیم کلمه عدم رسیدگی یک امر کلی است و صرفاً به معنای خودداری دولت محل وقوع جرم از رسیدگی به پرونده‌ای مذکور نمی‌باشد بلکه اگر دولت مذکور رسیدگی را بر خلاف قوانین در جهت کمک به شخص متهم یا رسیدگی مغرضانه از جهت تشدید مجازات نماید، یا به صورت کلی جرم ارتكابی با مجازات آن تناسب نداشته باشد در این صورت دیوان صلاحیت خود را برای ورود به پرونده‌ای مذکور بدست می‌آورد در این مورد دیوان به عنوان ناظر دادگاه‌های داخلی از ورود اهداف مغرضانه به جریان پرونده‌های قضایی جلوگیری می‌کند و هدف اصلی خود را که اجرای عدالت می‌باشد به موقع اجرا می‌گذارد

هنگام رسیدگی به پرونده‌های قضایی صرف جرم دانستن موضوع توسط مرجع داخلی سبب اجرای عدالت نخواهد شد بلکه حکمی که در این زمینه صادر می‌شود باید مطابق با اصول و مستند به مواد قانونی باشد که در قانون اساسی آن کشور وارد شده است اگر دیوان با پرونده‌ای مواجهه شود که دولت محل کشف جرم به دنبال رسیدن به عدالت واقعی نباشد و سعی در اعمال اهداف مغرضانه داشته باشد دیوان می‌تواند به موضوع ورود پیدا کند ما گفتیم که اگر دولتی از اقدام جهت بررسی جرم ارتكابی در کشور خود امتناع ورزد

جرم در آنجا رخ داده است نمی‌توانند مانعی را برای رسیدگی دیوان مطرح کنند چرا که مجوز ورود دیوان در اساسنامه آن اعلام شده است مبنای تک تک مواد قانونی که در اساسنامه دیوان مطرح شده است رسیدن به عدالت از مجرای بی مجازات نماندن فرد مجرم است در اساسنامه اعلام شده است که صرف جایگاه اجتماعی که اشخاص به وسیله شغل خود به دست می‌آوردند مانعی برای اعمال مجازات بر آنها نخواهد بود چرا که دیوان بین المللی کیفری که خود مظهر اجرای عدالت می‌باشد نمی‌تواند بدون وجود متن قانونی و صرفاً به واسطه داشتن سمت شخصی را از اعمال مجازات معاف بداند با توجه به اینکه دیوان بین المللی کیفری علاوه بر اجرای عدالت به دنبال رسیدن به صلح هم می‌باشد با مسئله‌ای عفو مخالفتی نشده است چرا که طرفین اگر مورد محاکمه قرار بگیرند هر طرف به دنبال تأمین منافع خود خواهد بود و در صورت تعارض منافع دو طرف صلح از بین می‌رود.

اگر در صلاحیت دادگاه‌های داخلی برای رسیدگی به پرونده‌ای ایراد وارد شود همین امر قابلیت رسیدگی در دیوان را دارد تا با تعیین مرجع صالح زمینه را برای اجرای عدالت ایجاد کند پرونده‌ای مشابه این اما در دادگاه یوگسلاوی در جریان بود که دیوان صلاحیت آن را تعیین کرد زمانی که دیوان صلاحیت دادگاهی را تأیید کند مجوز لازم برای رسیدگی به آن پرونده و دیگر پرونده‌های مشابه را به آن مرجع اعطا می‌کند.

دیوان بین المللی کیفری که خود مرجع تعیین صلاحیت دادگاه‌های مختلف است همیشه از صلاحیت خود آگاهی دارد و همین امر سبب می‌شود رسیدگی بر مبنای وجهه‌ای که

عدالت است تا جلوی اعمال مغرضانه مجریان قانون گرفته شود.

مسئله مهمی که در اینجا قابلیت بحث دارد این است که ما نباید وظیفه دیوان بین المللی کیفری را صرفاً رسیدگی به پرونده‌های بدانیم که در آن اهداف مغرضانه اعمال شده است چرا که وظیفه اصلی دیوان بین المللی کیفری حذف اعمال ظالمانه حقوقی نیست و بندهای الف تا ج مذکور به عنوان نمونه‌ای در جهت جلوگیری از خودکامه بودن دادستان دیوان باشد تا اعمال خود را بر طبق اصول و قواعدی که تحریر شده است به پیش ببرد.

بندهای مذکور را نباید به عنوان مجوز بی قید و شرط دیوان برای رسیدگی به تمام پرونده‌های قضایی دانست چرا که بر اساس اصل تکمیلی بودن وظایف دیوان و دادگاه‌های داخلی، دیوان باید این اصل را رعایت کند که رسیدگی مقدماتی باید در دادگاه‌های داخلی کشورها صورت پذیرد و در صورتی که دولت داخلی از رسیدگی به پرونده‌ای خودداری کند یا دیوان رسیدگی دادگاه‌های داخلی را بر خلاف قوانین بداند مجوز رسیدگی را پیدا می‌کند پس این موارد سه گانه را باید تفسیر مضیق نمود.

۶. شروط لازم در جهت تحقق اعمال صلاحیت تکمیلی

با توجه به هدف اصلی تشکیل دیوان بین المللی کیفری که اجرای عدالت جهانی از طریق مجازات افرادی که قوانین را نقض نموده اند می‌باشد در راستای رسیدن به این موضوع مهم که زمینه ساز صلح جهانی نیز می‌باشد دیوان مصونیت لازم را از جهت مخالفت‌های دولت‌های داخلی در جهت ورود به پرونده‌های مذکور خواهد داشت و دولت‌های داخلی که

کاملی که بر موضوع و محل وقوع جرم دارد به صورت دقیق تر و کامل ترس می‌تواند به موضوع رسیدگی کند و ایجاد صلاحیت بین المللی برای به نهاد از جهت نظارت بر فعالیت‌های قضایی دولت‌های دیگر تأثیر مثبت زیادی را به دنبال نخواهد داشت و دولت‌ها خود به صورت مستقل می‌توانند به پرونده‌های قضایی رسیدگی کنند. یکی از ایراداتی که قاضی الخصونه در مورد صلاحیت تکمیلی دیوان مطرح کرده‌اند این است که از تاریخ تنظیم اساسنامه دیوان بین المللی کیفری رسیدگی به پرونده‌های خاصی را بر عهده دیوان قرار داده شد در این جا سؤال مهمی که قابلیت طرح دارد این است که پرونده‌های که قبل از تنظیم اساسنامه مذکور جریان یافته‌اند در صلاحیت دیوان بین المللی است یا دادگاه‌های داخلی همین امر سبب می‌شود که در صلاحیت کلی دیوان یک تبصره وارد شود که رسیدگی به چنین پرونده‌های را به دادگاه‌های داخلی محل وقوع جرم واگذار کند همچنین الخصونه بر این باور است که دیوان صلاحیت رسیدگی به تمام پرونده‌های مربوطه ب جنایات را نخواهد داشت. (رنجبریان، ۱۹۹۹-۱۹۹۳: ۱۴۹).

۷. شاخصه‌های قابل اعمال در صورت تکمیلی بودن صلاحیت دیوان بین المللی کیفری

یکی از بحث‌های مهم صلاحیت دیوان بین المللی کیفری تعیین ملاک‌هایی در جهت شناسایی پرونده‌های است که دیوان توانایی رسیدگی به آنها را دارد چرا که در صورت عدم تعیین شرایط لازم دیوان به صورت مطلق رسیدگی به پرونده‌های جنایت را بر عهده می‌گیرد همین امر سبب می‌شود که صلاحیت دادگاه‌های داخلی کشورهای محل وقوع جرم از بین رود و دیوان به عنوان دادگاه عالی تر رسیدگی

قانون برای دیوان قائل شده است و دادرسی عادلانه به نحو دقیق ترس انجام خواهد شد.

اما یکی از مشکلاتی که در این زمینه وجود دارد این است که اعمال عفو بر محکومان منوط به موافقت دو طرف درگیر در قضیه خواهد بود که گاهی این امر با مخالفت یکی از طرفین یا هر دو مواجهه می‌شود همین امر سبب افزایش حجم پرونده‌های مطروحه در دیوان و اعمال مجازات بر طرفین دعوی خواهد شد.

همانطور که گذشت ما صلاحیت دیوان بین المللی کیفری در رسیدگی به پرونده‌های مطروحه را به عنوان یک مرجع تکمیل کننده فعالیت دادگاه‌های داخلی میدانیم همین امر سبب می‌شود که دادگاه‌های داخلی بتوانند به صورت مستقل فعالیت خود را انجام دهند و دیوان از این جهت مانعی در اعمال آنها نخواهد داشت بلکه در صورتی که دادگاه ملی از رسیدگی سر باز زند یا رسیدگی آن طبق نظر دیوان بین المللی کیفری بر اساس اصول قانونی نباشد در این صورت دیوان به عنوان نهادی نظارتی رسیدگی به موضوع را دنبال خواهد کرد مکمل بودن صلاحیت دیوان بین المللی در کنار دادگاه‌های داخلی خود یک اصل قانونی در جهت توجیه فعالیت‌های دیوان برای پرونده‌ای می‌باشد که در دادگاه دیگری در جریان می‌باشد چرا که سمت نظارتی دیوان اجازه ورود به پرونده‌های ملی کشورهای دیگر را به دیوان خواهد داد (زمانی، ۱۳۸۵: ۳).

در کنفرانس‌های بین المللی که کشور رم برگزار شد دولت‌هایی که مخالف با صلاحیت تکمیلی دیوان بین المللی کیفری بودند ادعای خود را بر این مبنا بیان کردند که هنگام وقوع جرم در یک کشور دادگاه داخلی همان کشور با توجه به اشرافیت

جرم در یک سرزمین دادگاه داخلی آن کشور مراحل اولیه تحقیقات را انجام دهد و در صورت توانایی رسیدگی عادلانه‌ای را اعمال کند اما اگر به علت نقض مدارک یا حساسیت موضوع از جهت شخص مرتکب از رسیدگی امتناع کند پرونده به دیوان ارجاع شود پس صلاحیت قضایی دولت‌ها با وجود قرارداد های بین المللی که بین دولت‌ها و سازمان‌های جهانی وجود دارد قابل تفویض خواهند بود.

نتیجه‌ای که از بحث مزبور به دست می‌آید این است که دولت‌ها می‌توانند صلاحیت قضایی خود را در رسیدگی به یک پرونده‌ای قضایی به نهاد یا سازمانی دیگر واگذار کنند همین امر سبب مشروعیت فعالیت دیوان در جهت رسیدگی به پرونده‌های قضایی دیگر کشورها است منتقدان ایرادی که بر مسئله‌ای ارجاع پرونده از دادگاه‌های داخلی کشورها به دیوان بین المللی ارائه کرده‌اند بر این باورند که اعمال صلاحیت قضایی ناشی از حاکمیت کشورها هست و اعمال حاکمیتی را نمی‌توانیم به نهادی دیگر واگذار کنیم هنگام تعیین مواد اساسنامه پاسخی کامل برای این ایراد ارائه داده‌اند که حاکمیت و قدرتی که دولت‌ها دارند از قدرت مردم سرچشمه می‌گیرد از آنجایی که هدف اصلی دیوان اجرای عدالت جهانی و مبارزه با بی کیفری است این امر با استقبال گسترده مردم مواجهه شده است.

۸. اصل صلاحیت تکمیلی داعیه مبارزه با بی کیفری جنایتکاران بین المللی

سرآغاز حضور صلاحیت تکمیلی دیوان بین المللی در مدت زمانی پس از تدوین اساسنامه دیوان بود زمانی که یکی از دولت‌های عضو ارجاع پرونده‌ای خود را به دیوان درخواست کرد به دنبال جنایاتی که علیه بشریت در زمان جنگ‌های

مطلق را انجام دهد حال آنکه ما بیان کردیم که صلاحیت دیوان در کنار دادگاه‌های داخلی به عنوان مکمل در نظر گرفته می‌شود مانعی برای رسیدگی به پرونده‌های قضایی در داخل وجود نخواهد داشت یکسری جرائم وجود دارند که جنایات جهانی هستند در این موارد دیوان خود به صورت مستقل ورود پیدا می‌کند که عدم توانایی دولت‌های داخلی در جهت کشف و بررسی همه جانبه آنها سبب نشود که اجرای عدالت جهانی با چالش رو به رو شود رسالت اصلی دیوان بین المللی کیفری اجرای عدالت در تمام شئون جوامع بشری است برای رسیدن به این امر مهم دیوان به دنبال افزایش همکاری با دادگاه‌های دیگر دولت‌ها می‌باشد چرا که اجرای عدالت باید از بطن جامعه و با همکاری دیگر نهادها انجام شود و یک سازمان یا نهاد به تنهایی توانایی اجرای عدالت جهانی را نخواهد داشت همین امر سبب می‌شود که دیوان همواره دادگاه‌های ملی را به انجام وظایف قانونی خود تشویق کند این موضوع برای دادگاه‌های ملی یکسری حقوق و تعهدات را به دنبال دارد تکلیف از این جهت که به بهانه‌های مختلف به دنبال سرباز زدن از انجام وظایف خود نباشند و حق آنها را در جهت رسیدگی ابتدایی به جرائم در داخل کشور محل وقوع جرم ایجاد می‌کند از بعد اجتماعی اجرای مجازات در داخل کشور آثار بهتری را به دنبال دارد از نظر قابلیت اثر گذاری بر شخص محکوم و ارباب و تأثیر پذیری جامعه مبنای مبارزه با بی عدالتی بین المللی این امر است که هیچ جرمی بدون کیفر باقی نماند و رسیدگی صحیح و عادلانه‌ای که زمینه ساز ایجاد صلح جهانی است بصورت تکمیلی از جانب دادگاه‌های دادگاه و دیوان اعمال شود هیچکدام از این دو نهاد نباید به دنبال اعمال صلاحیت مطلق خود باشند بلکه باید به عنوان تکمیل کننده در جهت رفع نقایص یکدیگر عمل کنند به عنوان مثال در صورت تحقق

رسیدن به رسالت اصلی دیوان بین المللی کیفری که عدالت جهانی می‌باشد که در راستای آن هیچ جرمی بدون مجازات نماند منوط به بررسی و تحقیقات متخصصان در زمینه ارائه روش‌های جهت تسهیل راه‌های رسیدن به عدالت و افزایش همکاری و تبادل بین دولت‌های عضو شورای امنیت با دیوان بین المللی کیفری است چرا که عدالت باید از مراتب پایین‌تر شروع تا به دیوان که مرجع عالی هست سرایت کند گاهی از راهکار تشویق دولت‌ها جهت افزایش همکاری بهره برده می‌شود و گاهی از طریق تنظیم قواعد و مقررات دقیق جهت انجام مسئولیت‌های که قانون بر عهده دادگاه‌های داخلی قرار داده است اگر دادگاه‌های داخلی وظایف خود را در جهت کشف جرائم و تهیه مدارک دال بر محکومیت را بدرستی انجام دهند و مجرم را به سزای عمل ارتكابی برسانند دیگر نیازی به ورود دیوان در پرونده‌های قضایی ملی نخواهد بود و این همان تعامل و همکاری هست که موجب رسیدن به عدالت جهانی خواهد شد (آذین حسینی، ۱۳۸۵: ۲۸).

داخلی و خارجی رخ می‌داد احساس نیاز برای وجود یک سازمان جهانی که بدون طرف اجرای عدالت را دنبال کند بیشتر احساس می‌شد به دنبال اعلام کشوری که صلاحیت شخصی خود را به دیوان واگذار کرد بقیه دولت‌ها هم ورود دیوان در پرونده‌های خود را پذیرفتند هدف اصلی دولت‌ها رسیدن به عدالت و به دنبال عدالت صلح و امنیت جهانی است وقتی درگیری بین المللی رخ می‌دهد علاوه به دولت‌های داخلی، دیوان به صورت عادلانه‌تر رسیدگی به موضوع را دنبال می‌کند اما پذیرش پرونده‌ای در دیوان منوط به احراز شرایطی است از جمله:

الف: دیوان بر این باور باشد که در دادگاه‌های داخلی شخص به مجازاتی که طبق عمل ارتكابی بر او اعمال لازم است اعمال شود می‌رسد

ب: گاهی به علت جریان‌ات سیاسی پیش آمده قدرتی بر کشور حاکم می‌شود که همان قدرت سبب ایجاد جرم و مستحق اجرای مجازات خواهد بود اما به علت تسلطی که بر شئون مختلف دولت دارد اجرای مجازات بر او با مانع جدی رو به رو می‌شود در این زمان دیوان رسیدگی همه جانبه به مسئله پیش آمده مذکور را وظیفه خود می‌داند.

ج: گاهی دلایل مستند قانونی برای مجرم دانستن شخصی در دست نیست و دادگاه‌های داخلی با توجه به ادله موجود توانایی محکوم نمودن شخص را نخواهند داشت در این موارد دیوان صلاحیت لازم را در جهت رسیدگی به پرونده مذکور به دست می‌آورد تا اجرای عدالت به دلیل عدم دستیابی به مدارک به تعویق نیفتد.

نتیجه گیری

صلاحیت تکمیلی دیوان جهت پایان دادن به نگرانی دولت‌های داخلی از جهت از بین رفتن قدرت و اقتدار ملی آنها برای رسیدگی به پرونده‌های قضایی راهکاری ارائه داده است بر این مبنا اگر دولت‌های داخلی تمام تلاش خود را در جهت اجرای عدالت در بطن جامعه بکار گیرند دیوان هیچگونه دخالتی در حاکمیت قضایی آنها نخواهد داشت دیوان از این امر به عنوان محرک فشاری به دولت‌ها جهت اجرای صحیح قانون در جوامع خود استفاده می‌نماید اما این امر سبب از بین رفتن دغدغه‌ای دیوان برای رسیدن به صلح جهانی نخواهد بود چرا که گاهی اشخاصی به دلیل داشتن موقعیت اجتماعی خاص مرتکب جرایمی می‌شوند که رسیدگی به آنها عواقبی که موجب از بین رفتن مشروعیت حاکمیت سیاسی یک کشور را به دنبال دارد سبب می‌شود که در صورت رسیدگی دیوان آثار و تعصبات زیادی را به دنبال خواهد داشت بی کیفر ماندن متهمان دغدغه اصلی دیوان بین المللی کیفری است در این موارد وظیفه دیوان احراز راه حل‌هایی جهت رسیدگی به این پرونده‌ها با بیشترین کارایی خواهد بود با توجه به اینکه دیوان رسالت اصلی خود را اجرای مجازات متناسب با جرم ارتكابی بر محکومان می‌داند در این راستا همه موانع سلب مسئولیت را کنار می‌گذارد و هیچ شخص یا مقام را دارای مصونیت نمی‌داند حال آنکه باید دانست لازمه اجرای عدالت در جامعه اعمال سیاست‌هایی هست که علاوه بر اعمال مجازات بر شخص محکوم قابلیت ارباب پذیری برای جامعه را هم به دنبال داشته باشد تا از تکرار جرم توسط دیگران جلوگیری به عمل آورد.

یکی از بحث‌های مهم صلاحیت دیوان بین المللی کیفری تعیین ملاک‌های در جهت شناسایی پرونده‌های است که دیوان توانایی رسیدگی به آنها را دارد چرا که در صورت عدم تعیین شرایط لازم دیوان به صورت مطلق رسیدگی به پرونده‌های جنایت را بر عهده می‌گیرد همین امر سبب می‌شود که صلاحیت دادگاه‌های داخلی کشورهای محل وقوع جرم از بین رود و دیوان به عنوان دادگاه عالی‌تر رسیدگی مطلق را انجام دهد حال آنکه ما بیان کردیم که صلاحیت دیوان در کنار دادگاه‌های داخلی به عنوان مکمل در نظر گرفته می‌شود مانعی برای رسیدگی به پرونده‌های قضایی در داخل وجود نخواهد داشت یکسری جرائم وجود دارند که جنایات جهانی هستند در این موارد دیوان خود به صورت مستقل ورود پیدا می‌کند که عدم توانایی دولت‌های داخلی در جهت کشف و بررسی همه جانبه آنها سبب نشود که اجرای عدالت جهانی با چالش رو به رو شود رسالت اصلی دیوان بین المللی کیفری اجرای عدالت در تمام شئون جوامع بشری است برای رسیدن به این امر مهم دیوان به دنبال افزایش همکاری با دادگاه‌های دیگر دولت‌ها می‌باشد چرا که اجرای عدالت باید از بطن جامعه و با همکاری دیگر نهادها انجام شود و یک سازمان یا نهاد به تنهایی توانایی اجرای عدالت جهانی را نخواهد داشت همین امر سبب می‌شود که دیوان همواره دادگاه‌های ملی را به انجام وظایف قانونی خود تشویق کند. سه راه برای ورود پرونده از دادگاه‌های داخلی به دیوان بین المللی کیفری وجود دارد دادستان می‌تواند با انجام تحقیقات مقدماتی و کشف جرم پرونده را جهت بررسی و صدور حکم به دیوان واگذار کند دولت محل وقوع جرم نمی‌تواند با اعلام تحقق جرم بررسی اجرای عدالت را از دیوان درخواست کند در اساسنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد وظایفی برای شورا در نظر گرفته

مجازات در نظر بگیرد که این امر سبب از بین رفتن نتیجه رسیدگی دیوان می‌داند.

۳ یکی از وظایف اصلی دیوان بین المللی کیفری ارائه تفسیر از مواد غیر واضح اساسنامه و قواعد اصلی صلاحیت تکمیلی دیوان است که زمینه را برای سو استفاده دولت‌های عضو از جهت پذیرش یا عدم پذیرش موادی که در جهت رفع نقض‌های عدالت بین المللی وجود دارد از بین ببرد.

۴ اگر مجمعی با حضور کشورهای عضو دیوان بین المللی و نمایندگانی از کشورهای غیر عضو به‌عنوان جانشین جامعه بشری بر فعالیت‌های دادستان دیوان در زمان تحقیق و رسیدگی به پرونده‌های قضایی نظارت داشته باشند زمینه برای اجرای عدالت همه‌جانبه و پذیرش حکم مشروع توسط دولت‌های عضو ایجاد می‌شود.

سپاسگزاری

از معاونت محترم پژوهشی به خاطر حمایت حمایت معنوی در اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می‌شود.
از آقای دکتر عبدالله علیزاده به خاطر بازبینی متن مقاله و ارائه نظرهای ساختاری تشکر و قدردانی می‌شود.
از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و علمی سپاسگزاری می‌شود.
نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از آقای دکتر محمد رسول آهنگران به خاطر مطالعه متن مقاله حاضر و ارائه نظرهای ارزشمند سپاسگزاری نمایند.

شده که یکی از وظایف اعلام وقوع جرم به دیوان بین المللی می‌باشد.

صلاحیت تکمیلی دیوان بین المللی کیفری نتیجه ارجاع دولت‌های عضو برای حل پرونده‌های قضایی می‌باشد که از انجام آن خودداری می‌کنند همین ارجاعات سبب گردیده که مقبولیت دیوان بین المللی کیفری در میان دولت‌ها بیشتر شود و نگرانی آنها در جهت از بین رفتن اقتدار قضایی آنها از بین ببرد. ارجاع پرونده‌ها از سوی کشورها به دیوان سبب می‌شود که ادله و مدارک مجرمیت متهم هم به همراه پرونده ارسال شود و رسیدگی به پرونده با عدالت بیشتری همراه گردد. ارجاع پرونده‌ها به دیوان از سوی دولت‌های عضو ممکن است که زمینه سوء استفاده دولت‌ها را فراهم کند تا به این عنوان از انجام مسئولیت خود سرباز زنند به همین دلیل دیوان باید قبل از پذیرش هر پرونده‌ای از جهت‌های مختلف مورد بررسی قرار دهد تا این نهاد با حجم زیادی از پرونده‌های قضایی مواجهه نگردد. و از فلسفه بنیادین خویش فاصله نگیرد. پیشنهادات:

۱ هدف اصلی دیوان را در اساسنامه پایان دادن به بی کیفری بیان کرده‌اند اگر به جای این جمله از تلاش برای از بین بردن بی عدالتی کیفری استفاده می‌شد نتیجه‌اش دستیابی به هدف اصلی دیوان واقعی‌تر بنظر می‌رسید و باعث نا امیدی دیوان در رسیدن به هدف خود نشود.

۲ برای رسیدن به عدالت واقعی دیوان باید علاوه بر رسیدگی به پرونده‌های قضایی و صدور حکم و اجرای مجازات بر نحوی اجرای مجازات نیز نظارت داشته باشد و تا زمانی که مجازات اثر واقعی خود را نداشته باشد آن را به منزله عدم اجرای

- 14- Bleich, Jeffery, L Complementarity, in M Cherif Bassiouni (ed) in the International Criminal Court: Observation and issues before the 1997-98 Preparatory Committee and administrative and financial implications, *Novelles Etudes Penales*, 13 1997
- 15- Prosecutor v Tadic, IT-95-16-T, Decision of the Appeal chamber on the defense motion on interlocutory appeal, 2 October 1995 para
- 16- Satahn, carsten, Judicial review of prosecutorial discretion, lecture in leiden university 2009

منابع

الف) منابع فارسی

- ۱- آنتونیو کاسسه، (۱۳۷۰) حقوق بین الملل در جهانی نامتحد، ترجمه مرتضی کلانتریان، تهران
- ۲- برای، شهرام، (۱۳۸۲) صلاحیت شورای امنیت در ارتباط با دیوان کیفری بین المللی (ICC)، حقوق « پژوهش حقوق و سیاست » شماره ۹
- ۳- حسینی، آذین، (۱۳۸۳) مصونیت سران دولت‌ها در حقوق بین الملل، پایان نامه حقوق بین الملل دانشگاه تهران
- ۴- دهبیم، علیرضا، (۱۳۸۴) درآمدی بر حقوق کیفری بین المللی، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران
- ۵- رنجبریان، امیر حسین (۱۳۸۱) قانون ۱۹۹۹-۱۹۹۳ بلژیک، رأی ۱۴ فوریه ۲۰۰۲ دیوان بین المللی دادگستری، صلاحیت کیفری جهانی در بوته آزمون، مجله حقوق و علوم سیاسی، شماره ۵۸
- ۶- رنجبریان، امیر حسین، (۱۳۸۱) جایگاه قاعده منع شکنجه در حقوق بین الملل معاصر، مجله حقوق و علوم سیاسی، شماره ۷۰
- ۷- زمانی، سید قاسم، (۱۳۸۵) صلاحیت جهانی: نقطه پایانی بر بی کیفری جرائم بین المللی، مجله ایرانی حقوق بین الملل (الکترونیکی)، شماره اول
- ۸- شریعت باقری، محمدجواد، (۱۳۸۵) حقوق کیفری بین المللی، چاپ سوم، انتشارات جنکل، تهران
- ۹- شریفی طرازکوهی، حسین، (۱۳۷۵) قواعد آمره و نظم حقوقی بین المللی، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران
- ۱۰- طهماسبی، جواد، (۱۳۹۱) صلاحیت دیوان کیفری بین المللی، چاپ دوم، تهران، جنگل
- ۱۱- عنایت، سید حسن؛ (۱۳۷۸) قابلیت پذیرش دعوی در دیوان بین المللی کیفری، مجموعه مقالات دیوان کیفری بین المللی و جمهوری اسلامی ایران، چاپ نخست، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه
- ۱۲- کلیپ، آندره، ترجمه مهدی حدادی، (۱۳۸۴) صلاحیت تکمیلی و صلاحیت متقارن در اساسنامه دیوان بین المللی کیفری، مجله فقه و حقوق « شماره ۶
- ۱۳- نوروزی، میثم، (۱۳۹۳) ضمانت اجرای تصمیمات دیوان کیفری بین المللی، مجمع علمی و فرهنگی مجد، تران

ب) منابع انگلیسی